

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

درآمدی بر مبحث دنیا و آخرت

مبحثی که به آن رسیده‌ایم، بحث دنیا و آخرت است. تعریفی که تاکنون از دنیا و آخرت داشته‌ایم، تعریف متعارفی است که در ذهن عموم مردم وجود دارد؛ منتها همه‌ی چیزهایی که جنبه‌های ظاهری، آفاقی و بیرونی آنها مورد توجه عموم مردم است، در فضای معرفت، ادبیات اهل معرفت و در وادی عرفان، جنبه‌های انفسی، باطنی و درونی آنها هم مدنظر است. لذا همین‌جا باید بدانیم اگر سخن از دنیا و آخرت گفته می‌شود، مفهوم باطنی‌یی هم برای آن وجود دارد. شاید بتوان از خود قرآن کریم هم استفاده کرد. قرآن کریم فرمود: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱ اینها از ظاهری از عالم، که اسم آن دنیا و زندگانی دنیاست، خبر دارند و مطلقند و از آخرت غافلند. تأمل در این آیه، این نکته را روشن می‌کند که قرآن کریم نقطه‌ی مقابل ظاهر را، آخرت قرار داده است؛ فرمود: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا»؛ سپس فرمود: «وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ». از همین‌جا می‌توان فهمید که دنیا، ظاهر است و آخرت، باطن. در عرصه‌ی آفاق، ظاهر این عالم، دنیاست؛ یعنی به چیزی که با حواس ظاهری قابل مشاهده و ادراک است، دنیا می‌گویند، ولی این عالم، باطن و ملکوتی هم دارد. قرآن کریم این عالم را دارای مُلک و ملکوت می‌داند. در آیه‌ی نخستین سوره‌ی مُلک فرمود:

^۱ سوره‌ی روم، آیه‌ی ۷.

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ»^۱ صاحب برکت و مبارک است خدایی که مُلک عالم در یَدِ قدرت اوست. در آخرین آیه‌ی سوره‌ی یس هم فرمود: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ»^۲ منزّه است خدایی که ملکوت همه چیز در یَدِ قدرت اوست. اگر این دو آیه را کنار هم بگذاریم، می‌توان فهمید که همه چیز مُلکی دارد و ملکوتی، ظاهری دارد و باطنی. فرمود: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ». ظاهر این عالم را دنیا می‌دانیم و باطن آن را آخرت. جنبه‌ای از این عالم را که با حواسّ ظاهری قابل احساس و ادراک است، دنیا می‌نامیم و جنبه‌ای را که در باطن این عالم است و از حواسّ ظاهری ما مخفی، و با ادراکات و حواسّ باطنی قابل ادراک است، آخرت می‌دانیم. پس آخرت، باطن عالم هستی و دنیا، ظاهر آن است. ظاهر عالم خلقت را دنیا و باطن آن را آخرت می‌گوییم.

در فضای درونی و انفسی، توجّه، تعلّق و دلبستگی به ظاهر عالم، دنیا و توجّه و تعلّق به باطن عالم، آخرت است. این معنا جنبه‌ی انفسی دارد. اگر توجّه ما به ظواهر عالم برود، در دنیا هستیم و اگر توجّه‌مان به باطن و ملکوت عالم برود، در آخرتیم. لذا در همین جلسه، بین عزیزانی که اینجا نشسته‌اند، ممکن است بعضی از افراد همین الان در دنیا باشند و ممکن است عزیزان زبده و برجسته‌ای هم حضور داشته باشند که در دنیا نیستند؛ دنیا را پشت سر گذاشته و در آخرتند. ان شاء الله در جلسه‌ی ما کسی که در دنیای صِرَف باشد، اصلاً وجود ندارد. کسی که در دنیای صِرَف است، نمی‌تواند به این جلسه راه پیدا کند؛ راهش را بسته‌اند. کسی که اهل دنیای محض است را با این جلسه چه کار؟! لذا کسی که در این جلسه هست، یقیناً در دنیای صِرَف نیست. اقلّش این است که در برزخ است؛ یعنی مابین دنیا و

^۱. سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۱.

^۲. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۸۳.

آخرت است. کسی که توجّهش به ظاهر عالم باشد، در دنیا؛ کسی که توجّهش به خدا، خوبان خدا، اولیای او و غیب عالم باشد، در آخرت و کسی که گاهی اوقات توجّهش به دنیا و عالم ظاهر است و گاهی به خدا و باطن عالم، در برزخ به سر می برد؛ یعنی راه بین دنیا و آخرت را طی می کند. "برزخ" یعنی راه بین دنیا و آخرت.

به تعبیر دیگر، کسانی که در زندگی خدا را می بینند و تنها او را فاعل و مؤثر می بینند؛ یعنی اهل توحید؛ در آخرت و قیامتند. کسی که جز خدا نمی بیند و مالک و مَلِک را جز خدا نمی بیند، در قیامت است. فرمود: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^۴ کسی که همین الآن عالم مُلک و فرمانروایی و مُلک عالم را در یدِ قدرت خدا می بیند و در عالم، غیر خدا احدی را کاره ای نمی بیند؛ کسی که معتقد است «لا مُؤثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»؛ یعنی در عالم هستی احدی را غیر خدا صاحب اثر نمی بیند و تنها مؤثر عالم را خدا می بیند؛ در قیامت است؛ ولو الآن بدنش بین ما در جلسه نشسته باشد. کسی که خدای ناکرده خدا را نمی بیند، او را مؤثر و کاره ای نمی بیند؛ خلق، کثرات و مخلوقات را می بیند و می گوید: او به من خوبی کرد؛ فلانی به من بدی کرد، آن شخص چوب لای چرخ من گذاشت، آن یکی کارم را راه انداخت؛ یعنی فقط خلق را مؤثر می بیند و خدایی نمی بیند، در دنیای صرف به سر می برد. اما کسی که گاهی اوقات خدا را می بیند، او را مؤثر می داند، همه چیز را در یدِ قدرت او می بیند؛ ولی گاهی اوقات هم غفلت به سراغ او می آید؛ به عالم کثرت توجّه می کند؛ به مخلوقات و نقش آفرینی آنها خیره می شود و می پندارد که آنها مؤثرند؛ این شخص برزخ بین دنیا و قیامت را طی می کند.

^۴. سوره ی غافر، آیه ی ۱۶.

دوست اهل بیت علیهم السلام در دنیای صرف نیست و از بدو تولّد برزخ را طی می‌کند؛ یعنی توجّه دوست اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت به طور مطلق به سمت دنیا، مخلوقات و کثرات منحصر نمی‌شود. گاهی اوقات یاد خداست، خدا را مؤثر می‌داند و در زندگی‌اش به خدا توجّه دارد؛ گاهی اوقات هم ممکن است غفلت بر او عارض شود؛ خلق را مؤثر ببیند و خدا را فراموش کند. نشانه‌اش هم این است که وقتی خدا را می‌بیند، بهجت، شادی، رضا، شکر و سرور همه‌ی وجود او را می‌گیرد؛ اما وقتی خلق را می‌بیند و آنان را کاره‌ای می‌شمارد، غم، حسرت، غصّه، ندامت، رنج و کدورت، وجود او را می‌گیرد؛ لذا دوستان اهل بیت علیهم السلام، از بدو تولّد برزخ را طی می‌کنند. گاهی به یاد دنیا و گاهی به یاد قیامتند. گاهی اوقات به یاد خدا و گاهی اوقات به یاد خلقند. گاهی شاد، سرخوش، سرزنده و مسرورند؛ چراکه می‌بینند همه کار دست خداست و خدا هم هر چه می‌کند بهترین است؛ «از خَیْر محض جز نکویی نآید»؛ پس دیگر چه غمی دارد؟ به قول شاعر: «تو را دارم چه غم دارم؟» لذا شادی محض است؛ اما از آن طرف، گاهی خدا را فراموش می‌کند و توجّهش به سمت کثرات و مخلوقات می‌آید؛ آن هنگام است که غم، اندوه، اضطراب، حسرت و ندامت وجود او را دربر می‌گیرد.

با این توضیح مختصر تا حدودی معنای دنیا و آخرت را متوجّه شدید؛ گرچه این بحث قابل-توسعه است؛ ولی به قول شاعر: «در خانه اگر کس است، یک حرف بس است». خدا توفیق داد در فصل سوم کتاب "سرّ حق"، در یکی از لغزشگاه‌های سلوک، به مناسبتی به بحث دنیا و آخرت اشاره کرده‌ام. عزیزانی که آن کتاب را خوانده‌اند، با این بحث آشنا هستند؛ کسانی هم که نخوانده‌اند، ان شاء الله خواهند خواند؛ زیرا مطالب آن کتاب مکمل و مقوم مباحث مصباح است و مطالعه‌ی آن سبب فهم عمیق تر مطالب مصباح می‌شود. در آن کتاب اشاره‌ی مختصری به بحث دنیا و آخرت شده است و معانی متعدّدی را که دنیا، برزخ و آخرت دارد،

بیش از آنچه که امروز اینجا خدمتتان عرض کردیم، توضیح داده‌ام. توجّه، تعلق و دلبستگی به عالم ظاهر، دنیاست. خود پدیده‌های عالم طبیعت، دنیا نیست. دلبستگی، توجّه و خیره شدن ما و اینکه شش‌دانگ حواسمان سراغ ظاهر عالم باشد، دنیاست. دنیای مذموم این است و توجّه ما به خدا، اینکه شش‌دانگ حواسمان به خدا باشد، دلمان پیش خدا باشد و به او تعلق خاطر و دلبستگی داشته باشیم، آخرت و قیامت است.

یک‌عده اهل دنیا و عده‌ای اصحاب دنیا هستند؛ عده‌ای اهل آخرت و عده‌ای اصحاب آخرت هستند. "اهل" کسی است که برای همیشه آنجایی است؛ اما "اصحاب" می‌تواند مدّتی آنجا باشد و سپس جدا شود؛ کما اینکه ما «أَهْلُ النَّارِ»^۵ و «أَصْحَابُ النَّارِ»^۶ داریم. اهل نار، دوزخیانی هستند که «خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا»^۷؛ اما «أَصْحَابُ النَّارِ» کسانی هستند که ممکن است مدّتی کیفر بدی‌هایشان را در دوزخ متحمّل شوند و زمانی که از بدی‌ها پاک شدند؛ از دوزخ بیرون بیایند و به بهشت وارد شوند. اینها «أَصْحَابُ النَّارِ» اند. اهل نار همیشگی و مخلّد فی‌النارند. جنّت هم ممکن است اهلی و اصحابی داشته باشد. کما اینکه یک‌عده‌اند که اهل بیت رسول الله ﷺ هستند و از ایشان جدایی‌ناپذیرند؛ لازم هم نیست اهل بیت پیغمبر فقط فامیل‌های نسبی پیغمبر ﷺ، باشند؛ چنان که رسول خدا ﷺ بنا به آنچه روایت شده است، فرمودند: «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۸ سلمان رضی الله عنه از ما اهل بیت علیهم السلام است؛ در حالی که سلمان ایرانی -

^۵ سوره‌ی ص، آیه‌ی ۶۴. «إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ»

^۶ سوره‌ی بقره، آیه‌های ۳۹، ۸۱ و ۲۱۷، ۲۵۷ و ۲۷۵ و آل‌عمران، ۱۱۶ و مائده، ۲۹ و اعراف، ۳۶، ۴۴، ۴۷ و ۵۰ و یونس، ۲۷، رعد،

۵ و زمر، ۸، غافر، ۶ و ۴۳، مجادله، ۱۷ و حشر، ۲۰ و تغابن، ۱۰، مدّثر، ۳۱.

^۷ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۶۹ و سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۶۵ و سوره‌ی جن، آیه‌ی ۲۳.

^۸ مجلسی، بحار، ج ۱۷، ص ۱۷۰ و احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۶۰ و کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، تفسیر فرات‌الکوفی، ص ۱۷۱.

تبار و رسول الله ﷺ عرب نژاد و عرب تبارند؛ اما حضرت فرمودند: «سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ یعنی سلمان از ما جداشدنی نیست و همیشه با ماست. اما گروهی اصحاب رسول الله ﷺ بودند. این افراد شاید در ظاهر چند صباحی هم کنار پیغمبر ﷺ بودند؛ اما فردا راه پیامبر ﷺ را ترک کردند و شمشیر بر روی خود پیامبر ﷺ یا وصی ایشان کشیدند. اهل دنیا، اصحاب دنیا، اهل آخرت و اصحاب آخرت را هم با همین معیار می توان شناخت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ